

معرفی اجمالی

ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

ضمیمه ی شماره ۱۹/۲۱ کتاب معرفی حکمت سرا

www.hekmatjoo.ir

ویرایش آذر ۱۳۹۴

- ۱- تعریف ساحت..... ۲
- ۲- بیان هدف و ضرورت ارائه ی ساحت..... ۳
- ۳- ارائه ی تعریف و طبقه بندی حوزه های کلی..... ۴
- ۴- طبقه بندی و تعریف عناوین اصلی..... ۸
- ۵- تعیین جایگاه کاربردی..... ۹
- ۶- معرفی کتب و منابع موجود..... ۱۰
- ۷- معرفی متفکران و راه های ارتباطی با ایشان..... ۱۲
- ۸- ارائه ی تاریخچه ساحت..... ۱۳
- ۹- تعیین حداقل های ساحت..... ۱۵
- ۱۰- تعیین حداقل پیشنهادها برای ساحت..... ۱۶
- ۱۱- انطباق محتوای ساحت با کتب نظام فعلی..... ۱۷
- ۱۲- آسیب شناسی ساحت..... ۱۸
- ۱۳- شیوه های اختصاصی ارائه ی محتوای ساحت..... ۱۹
- ۱۴- معرفی ارزیابان و تصدیقگران ساحت..... ۲۱

۱- تعریف ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

کلمه‌ی فیلسوفیا از دو واژه‌ی فیلو به معنای دوستدار و سوفیا به معنای دانش تشکیل شده است که گفته می‌شود فیثاغورس یا سقراط خود را بدین نام خواندند. واژه‌ی فلسفه در طول تاریخ تغییر معانی داشته است و هر مکتب فکری و فیلسوفی هم فلسفه را طبق دیدگاه خود تفسیر می‌کند و برای آن وظیفه و غایت متفاوتی متصور است. ابتدا معنای فلسفه شامل تمام دانش‌ها می‌شد، مدتی به دانش‌های نظری و عقلی اطلاق شده و قرون اخیر بیشتر متافیزیک و یا فلسفه‌ی اولی تلقی می‌شود و از نگاه برخی مکاتب هم مبادی دانش و علوم را فلسفه می‌گویند. همه‌ی اینها تعاریف موضوعی است یعنی موضوع فلسفه که مدتی کل موجودات را شامل می‌شد اخیراً موجود بما هو موجود را شامل می‌شود که در واقع هستی‌شناسی است. اما نحوه‌ی دیگری هم از تعریف فلسفه وجود دارد که آن را یک روش یا در واقع نحوه‌ی اندیشیدن یا تفکر تلقی می‌کنند. در واقع فلسفه خود عهده دار تعریف خود است، همچنان که بسیاری فلسفه را عهده دار تعریف دیگر علوم هم می‌دانند و بحث از طبقه‌بندی و موضوع‌شناسی علوم را در حیطه‌ی فلسفه می‌دانند. آنچه که ما در اینجا به عنوان تعریف فلسفه در نظر می‌گیریم همان تعریفی است که عرف دانشگاهی امروز از فلسفه در ذهن‌شان متبادر می‌شود یعنی یک روش بحث عقلی و عمقی متفکرانه که به مبانی و مبادی دیگر مسائل مطرح در حوزه‌های شناخت می‌پردازد. این تعریف با معرفی حوزه‌های فلسفه که امروزه بیشتر شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه زبان، فلسفه سیاست، فلسفه علم و فلسفه ذهن می‌شود، مشخص تر خواهد شد.

۲- هدف و ضرورت ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

اگر فلسفه را معین کننده مبادی و مبانی دیگر حوزه های شناخت در نظر بگیریم از هر حوزه ی شناخت و علمی ضروری تر تلقی مشود زیرا که مشخص کننده موضوع و هدف دیگر دانش ها و نگرش و جهان بینی هاست و به گونه ای در همه ی دیگر علوم حضور دارد. در واقع همه ی علوم دانسته یا ندانسته دارای یک مبانی فلسفی خاصی هستند چه متولیان آن علوم این مطلب را بپذیرند چه نپذیرند، حتی همین ادعا که علوم از فلسفه جدا هستند ادعایی فلسفی است. به فرض که شاخه ی علمی امروزه شکل گرفته باشد کار فلسفه همین بروز دادن مبانی علوم، تصحیح موضوعات و اهداف آنها و به چالش کشیدن بسیاری از پیش فرض های علوم است. از همین جهت هم هدف فلسفه بحث پیرامون اعماق و مبانی علوم و اخذ نگرش صحیح پیرامون آنهاست، فلسفه از پایه ترین مفاهیم مثل مطلق وجود بحث می کند، تا از چیستی خود شناخت، معرفت و یا علم و چیستی تفکر، ارزش ها، چیستی خود بحث کردن و به طور کلی بنیادی ترین مفاهیم معرفتی.

ملاک تقسیم بندی حوزه های فلسفه

بخش بندی که در ساحت فلسفه ی حکمسترا صورت داده ایم مبتنی بر بخش بندی است که در اغلب کتب فلسفی امروزه صورت می گیرد، در عمده کتب تاریخ فلسفه هنگام بررسی دیدگاه های یک فیلسوف دیدگاه او را پیرامون هستی شناسی و شناخت شناسی و فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست و فلسفه دین بررسی می کنند.

حوزه های تخصصی فلسفه

حقیقتا مسائل فلسفی به شدت به هم مرتبط اند، به شکلی که گفته اند حل یک مسئله ی فلسفی می تواند به حل دیگر مسائل منجر شود. از این جهت این حوزه های تخصصی مبتنی بر یکدیگر هستند اما به هر حال قابل تفکیک از یکدیگر هستند و هر یک مسائل خاصی را مورد بررسی قرار می دهند. هرچند هر مکتب فلسفی از جهت ماهیت خود امکان دارد یک بینش خاصی نسبت به خود این حوزه ها داشته باشد اما ما در اینجا به عرف فلاسفه توجه کردیم.

الف) هستی شناسی

هستی شناسی یا وجودشناسی یا فلسفه ی اولی، طبق بسیاری از دیدگاه های فلسفی بدیهی ترین موضوع یعنی وجود و هستی را بررسی می کند و وجود بما هو موجود موضوع آن به شمار می آید. هستی شناسی که بنیادی ترین و قدیمی ترین حوزه فلسفه به شمار می رود از ویژگی های

اولیه و بنیادین کلیه موجودات صحبت می کند و به ابتدایی ترین تقسیم بندی ها پیرامون آن می پردازد مثل تقسیم به امکانی و ضروری، مجرد و مادی، بالقوه و الفعل و...

ب) معرفت شناسی

همانطوری که از عنوان معرفت شناسی مشخص است، این شاخه ی فلسفه به بررسی چیستی معرفت و شناخت می پردازد و در همین راستا به تمایز معرفت درست و نادرست، ارزش معرفتی، منابع معرفت، ابزارهای معرفت و موضوعات مرتبط با آن می پردازد.

پ) فلسفه اخلاق

فلسفه ی اخلاق که بسیاری آن را فراخلاق می نامند در پی اعلام هنجارهای درست و نادرست اخلاقی نیست، یعنی شاخه ای از اخلاق نیست بلکه به بررسی خود اخلاق می پردازد مثل واضح کردن خود مفاهیم خوب و بد، باید و نباید، مطلق و نسبی بودن اخلاق، واقعی یا ذهنی بودن اخلاق، وحدت و کثرت مکاتب اخلاقی و...

ت) فلسفه سیاست

فلسفه سیاست نیز به بررسی یک مکتب سیاسی خاص نمی پردازد بلکه از نگاهی بالاتر به مبانی مکاتب سیاسی و نگرش های سیاسی می پردازد مثلاً به بررسی مفاهیم آزادی، فردگرایی یا

جمع گرایی، شکل های ممکن حکومت و مباحث اینچنینی که بنیادهای سیاست را فارغ از حکومت ها و مسائل سیاسی امروزه به بحث می نشیند.

ث) فلسفه دین

فلسفه دین نیز به به بررسی یک دین یا مکتب خاص نمی پردازد بلکه از نگاهی بالاتر به بررسی ادیان می پردازد و به مسائلی همچون علم و دین، ادیان الهی و بشری، مفهوم خدا و براهین اثبات خدا، نقش ادیان در تفکر بشری، انواع تجارب دینی می پردازد.

ج) فلسفه علم

فلسفه ی علم نیز همچون دیگر فلسفه های مضاف متداول به بررسی یک علم خاص نمی پردازد بلکه به بررسی کلیت علوم بخصوص تجربی می پردازد مباحثی همچون روش علم، طبقه بندی علوم، قانون علمی، تبیین، علیت، وحدت بخشی، واقع گرایی، ابزار گرایی و مسائل مرتبط مربوط به چیستی و روش علم در حوزه ی فلسفه علم قرار دارد.

چ) فلسفه زبان

فلسفه ی زبان هم به چیستی گزاره های زبانی و مطابقت یا عدم مطابقت آنها با واقعیت می پردازد، این شاخه فلسفه در قرن بیستم مورد توجه جدی فلاسفه بوده است و حل بسیاری مسائل معرفت شناسی را از طریق تحلیل زبان ممکن می دانستند بدین جهت خود به عنوان شاخه ی

جدیدی شکل گرفته است. در فلسفه ی زبان به مسائلی همچون چیستی مفاهیمی چون معنا، صدق، حقیقت، واقعیت، گزاره پرداخته می شود.

ح) فلسفه ذهن

فلسفه ی ذهن نیز شاخه ی جدیدی از فلسفه است که مد امروز فلاسفه است که موضوع آن خود ذهن است و به بررسی چیستی ذهن و حالات ذهنی، آگاهی، مسئله ی ذهن و عین، مسئله ی اذهان دیگر، هوش مصنوعی می پردازد.

۴- طبقه بندی و تعریف عناوین اصلی ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

به نظر تدوینگر خود حوزه بندی فلسفه توسط منتقدان مورد چالش است چه برسد به عنوان بندی خود حوزه ها! همانطور که گفته شد هر مکتب فلسفی خود تعریف خاصی از فلسفه دارد و موضوع یا روش آن را چیز خاصی تعریف می کند. از همین رو هم هر مکتبی پاره ای مسائل را مورد توجه قرار می دهد و مکتبی دیگر شاید آن مسائل را موهوم و بی معنی تلقی کند. به نظر نمی رسد بتوان عنوان بندی مشخصی برای حوزه ها مشخص کرد زیرا که فلسفه، علم نیست که به بررسی موجودات پردازد که بتوان آنها را تحت مقوله های متفاوت قرار داد و عنوان بندی کرد. فلسفه به پرسش ها و مسائل می پردازد که تعداد آنها فراوان است و نمی توان با قرار دادن یکی دو پرسش تحت یک حوزه ی فلسفی ادعا کرد کل مسائل آن حوزه پوشش داده شده، چرا که هر فیلسوفی شاید مسائل متفاوتی را تحت آن حوزه فلسفه مطرح بداند.

۵- تعیین جایگاه کاربردی ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

فلسفه بنیادی ترین مفاهیم معرفتی ما را مشخص می کند که شکل دهنده ی تمامی معارف ماست. چه کاربردی از این مهم تر می تواند باشد که به بازنگری و صراحت بخشی به پایه ای ترین اندیشه ها و نگرش های خود پردازیم. جدا از خود این مشخص شدن مبانی و نگرش های بنیادین و یا حتی رساندن انسان به فهم جهل در پاره ای از موضوعات، خود فلسفه ورزی و اندیشه ورزی عمیق یک کاربرد جدی فلسفه است. باید به جد گفت نه تنها فیلسوفان بلکه فلسفه خوان ها هم دارای ذهنی عمیق و باریک بین می شوند که در بررسی هر موضوع دیگری توانا می گردند.

۶- معرفی کتب و منابع موجود پیرامون ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

عنوان کتاب	نویسنده	مترجم	انتشارات
دنیای سوفی	یاستین گورد		
تاریخ فلسفه	هالینگ دیل	عبدالحسین آذرنگ	سروش
سرگذشت فلسفه	برایان مگی	حسن کامشاد	نی
کلیات فلسفه	پاپکین		حکمت
سیر حکمت در اروپا	محمدعلی فروغی		نیلوفر
فلاسفه بزرگ	برایان مگی	عزت الله فولادوند	خوارزمی
لذات فلسفه	ویل دورانت		علمی فرهنگی
در آمدی بر فلسفه اسلامی	عبدالرسول عبودیت		امام خمینی
آموزش فلسفه	محمدتقی مصباح یزدی		امیر کبیر
بدایه الحکمه	علامه طباطبائی		دارالعلم
تاریخ فلسفه	کاپلستون	مختلف	علمی فرهنگی
افلاطون	جولیا انس	حقیری قزوینی	امیر کبیر
ارسطو	آلفرد ادوارد تیلور	حسن فتحی	حکمت
تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس	محمد ایلخانی		سمت
فلسفه قرون وسطی	عبدالکریم مجتهدی		امیر کبیر
سیر فلسفه در جهان اسلام	ماجد فخری		نشر دانشگاهی
فلسفه مشاء	محمد ذبیحی		سمت
حکمت اشراق سهروردی	سیدیحیی یثربی		بوستان کتاب
فرانسیس بیکن	محسن جهانگیری		علمی فرهنگی
فلسفه دکارت	کریم مجتهدی		امیر کبیر
فلسفه لایب نیتس	منوچهر صانعی دره بیدی		ققنوس
فلسفه کانت	استیفان کورنر	عزت الله فولادوند	خوارزمی
فلسفه هگل	حمید عنایت		امیر کبیر
درآمدی بر حکمت متعالیه	عبدالرسول عبودیت		سمت
فلسفه تحلیلی در قرن بیستم	اورام استرول	فریدون فاطمی	سروش
فلسفه معاصر	کاپلستون	علی اصغر حلبی	زوار

انتشارات معروف فلسفی

خوارزمی	امیر کبیر	علمی فرهنگی	سمت
هرمس	نشر مرکز	حکمت	ققنوس
...	سروش	موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷- معرفی دانشمندان و متفکران و راه های ارتباطی با ایشان پیرامون ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

عنوان	محل تدریس	شماره تماس	ایمیل
دکتر رضا صادقی	دانشگاه اصفهان	۰۳۱۳۷۹۳۴۱۹۳	rezasadeqi@gmail.com
دکتر محمد مشکات	دانشگاه اصفهان	-	-
دکتر بیدهندی	دانشگاه اصفهان	-	-

عمدتاً در کتب فلسفی امروز تاریخ فلسفه را به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌کنند. دوران باستان، قرون وسطی، دوران جدید و دوران معاصر که هر دورانی نیز در بر گیرنده‌ی مکاتب مختلفی است.

دوران باستان شامل دوران قبل از سقراط، دوران سقراط و دوران پس از سقراط می‌شود. دوران قبل از سقراط به نظرات فیلسوفان یونان باستان همچون تالس، فیثاغورس، هراکلیتوس، پروتاگوراس، پارمنیدس، دموکریتوس و... پرداخته می‌شود.

دوران سقراط شامل خود سقراط و شاگردش افلاطون و شاگرد افلاطون یعنی ارسطو می‌شود. این سه به معنای واقعی کلمه استوانه‌های فلسفه هستند و بسیاری از مکاتب فکری فلسفی پیرامون پرسش‌های فلسفی این فیلسوفان شکل گرفته است.

بعد دوران سقراط نیز اپیکوریان، کلیان، رواقیون مورد توجه هستند.

قرون وسطی که می‌توان آن را پس از میلاد مسیح تا قرن ۱۵ میلادی در نظر گرفت. بیشتر شامل فلسفه‌های مسیحی و اسلامی است. از همه پرآوازه‌ترین بین فلاسفه مسیحی آگوستین و آکوئیناس هستند و بین فلاسفه اسلامی فارابی، ابن سینا، ابن رشد و شیخ اشراق.

اما دوران جدید که بیشتر قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی به آن اطلاق می شود. شامل فلاسفه تجربه گرایی چون جان لاک، جرج بارکلی، دیوید هیوم و فلاسفه عقل گرایی همچون دکارت، اسپینوزا و لایب نیتس است. پس از اینها فلاسفه ای همچون کانت، هگل و شوپنهاور مطرح هستند. شبه فیلسوفانی عصر روشنگری مثل ولتر، روسو و دیدرو و دالامبر هم در این دوران قرار دارند و فلاسفه خرد و کلان دیگری که در این دوران هستند. ملاصدرای شیرازی در مکتب فلسفه اسلامی نیز متعلق به این دوره است هر چند به کل از فلسفه ی غرب جداست.

دوران معاصر که شامل قرن اخیر است با مکاتب کاملاً مختلف و بعضاً متضادی مواجهیم. چون اصالت فایده شامل بنتام، جیمز میل و جان استورات؛ پراگماتیسم شامل پیرس، ویلیام جیمز، جان دیویی. اگزیستانسیالیسم شامل هایدگر، سارتر، یاسپرس و مارسل. پوزیتویسم شامل شلیک، کارنپ و... فلاسفه زبان و مستقلاً همچون فرگه، مور، راسل و ویتگنشتاین، کواین و...

در مکتب فلسفه اسلامی هم سبزواری، علامه طباطبائی، علامه جعفری و شهیدمطهری از متفکرین مطرح معاصر هستند و بسیار فلاسفه ی دیگر معاصر که قضاوت در مورد نام آوری یا بزرگی آنها فعلاً سخت است.

۹- تعیین حداقل‌های ساحت فلسفه و مهارت‌های تفکر

درست است که فلسفه مبانی فکری همه‌ی ما را شامل می‌شود اما به نظر نمی‌رسد روشی باشد که برای هر کسی پیشنهاد شود، اما از نظر نگارنده یادگیری منطق می‌تواند الزام هر فردی باشد اما در آموزش فلسفه آشنایی مختصر و جذاب با سوالات حوزه‌های مختلف فلسفه می‌تواند به عنوان حداقل در نظر گرفته شود یعنی حکمت جو حداقل یک کتاب عمومی فلسفه مثل تاریخ فلسفه غرب هالینگ دیل را مطالعه کند به عنوان آشنایی کلی کافی است.

۱۰- تعیین حداقل‌های پیشنهادها برای ساحت فلسفه و مهارت‌های تفکر

هر انسانی آگاهانه یا ناآگاهانه دارای یک بینش فلسفی است و بسیاری یکی از بنیادین‌ترین و تمایز انسان با دیگر موجودات را تفکر او می‌دانند از این جهت هر انسانی از زمانی می‌تواند پیرامون سوالات فلسفی تفکر کند و پیش‌فرض‌های ناآگاهانه‌ی خود را آگاهانه بکاود. البته این تامل آگاهانه نیاز به استعداد و تلاش فکری دارد مگر نه حکمت جوی ناتوان در غبار اندیشه‌های گوناگون فلسفی و فلسفه‌بافی‌ها و مغالطات گم می‌شود، از این جهت شاید تنها پیش‌نیاز تامل و تفکر فلسفی را استعداد فکری دانست و از آنجا که فلسفه‌مبنای همه‌ی علوم محسوب می‌شود، به علم دیگری نیاز ندارد.

۱۱- انطباق محتوای ساحت فلسفه و مهارت های تفکر با کتب نظام فعلی

در نظام آموزش فعلی آموزش و پرورش فقط دو کتاب کوچک فلسفه و منطق برای دانش آموزان علوم انسانی در این رابطه وجود دارد که مثل دیگر کتب عمدتاً فقط یک نوک زدن و پراکنده گویی صرف است که بیشتر دانش آموز را از فلسفه زده می کند و اصلاً او را با پرسش های فلسفی و تاثیر آنها در زندگی آشنا نمی کند و در دوران دبیرستان متوسطه دوم در حال حاضر عملاً کتاب و درسی که به درستی دانش آموز را به مباحث تخصصی فلسفه آشنا کند وجود ندارد. اما جدا از این دو کتاب، کتاب تفکر و پژوهش و تفکر و سبک زندگی که پس از طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش به دروس دبستان و دبیرستان اضافه شده است که جای امیدواری دارد، هر چند این درس فلسفه به معنای تخصصی آن نیست اما سعی شده است تفکرورزی دانش آموز تقویت گردد و به نظر نگارنده برای سنین ۹ تا ۱۵ سال هم همین سبک کتاب مفید است.

۱۲- آسیب شناسی ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

بسیاری از افرادی که توانایی ذهنی کافی برای تاملات فلسفی ندارند، یا در مواجهه ی با فلسفه به خاطر عدم درک مسائل آن به ضدیت با آن می پردازند یا ناخودآگاه شیفته ی دربند فلسفه ها می شوند. به نظر می رسد یکی از آفت هایی که احتمال دارد دامنگیر فلسفه خوان شود، اسیر و دربند شدن یک مکتب فلسفی بدون تفکر و تامل شود. بسیاری معتقدند فلسفیدن را باید یاد داد نه فلسفه ها را. اگر فرد خود اهل تفکر شود راه را پیدا خواهد کرد و اندیشه ها را منصفانه و نقادانه بررسی و تحلیل خواهد کرد اما اگر اینگونه نباشد اسیر یک کتاب یا مکتب می شود بدون اینکه صحت آن را بیاندیشد و تعارضات و ملزومات آن را تحلیل کند.

۱۳- شیوه های اختصاصی ارائه ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

— هدف در این ساحت باید آموزش اندیشیدن باشد نه اندیشه ها. ما باید روش فلسفیدن و نحوه ی برخورد با پرسش های فلسفی را به حکمت جویان بیاموزیم نه صرفاً لفظ طوطی وار مفاهیم فلسفی را!

— تقویت پرسش گری و انتقادگری در فلسفه اهمیت به سزایی دارد. حکمت جو نباید از این جهت که فلان اندیشه توسط فلان فیلسوف بزرگ مطرح شده است از نقد آن بترسد. تاریخ فلسفه نشان می دهد بسیاری از بزرگان فلسفه اشتباهات فاحش منطقی داشته اند و رشد فلسفه به همین نقد صریح است.

— روحیه ی تواضع در فلسفه بسیار مهم است اغلب نوآموزان فلسفه غرور و تکبر پیدا می کنند در صورتی که با هر چه بیشتر آشنا شدن آن ها با نگرش های فلسفی تواضع آن ها بیشتر می شود و اندیشه های خود را حرف آخر نمی دانند.

— روش مباحثه در فلسفه بسیار موثر و مهم است، باید کرسی های آزاد اندیشی و بحث بین حکمت جویان برگزار شود. بسیاری از آموزه های فلسفی حین بحث درک و تثبیت می شوند و بسیاری از تفکر ورزی ها و پرسش های جدید حین بحث پدیدار می گردند.

— در مباحث فلسفی هم جامعیت و هم تخصص مهم است ضمن اینکه لازم است تا حد مطلوبی حکمت جو با مباحث مهم فلسفی آشنا باشد اما باید او را متوجه کرد که برای نتیجه گرفتن در یک تحقیق فلسفی باید یک حوزه ی تخصصی انتخاب کند و پرسش خاصی را دنبال کند تا به نتیجه ای فراتر و بهتر از اندیشمندان قبلی برسد.

۱۴- ارزیابان و تصدیقگران ساحت فلسفه و مهارت های تفکر

ردیف	نام و نام خانوادگی	تخصص در حوزه کلی
۱	دکتر رضا صادقی	معرفت شناسی
۲	دکتر سید علی کلانتر	فلسفه ذهن
...		

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا
يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

خدا به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود،
به یقین، خیری فراوان داده شده است و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد.

<سوره ی بقره آیه ۲۶۹>